



١٤٣١



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه تاریخ

این نامه در تاریخ ۱۸/۶/۱۳۸۹

تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۸۹ و در شهر عالی

فراغ شد  
علی و الهی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

۱۸۹/۷/۱۶

موضوع:

واکنش و عملکرد خاندان قاجار در تغییر سلطنت از قاجاریه به پهلوی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر قباد منصوربخت

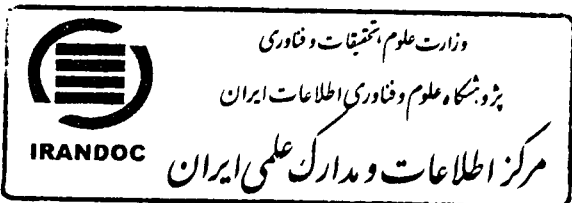
استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمدعلی اکبری

دانشجو:

محمد محمود هاشمی

تابستان ۱۳۸۹



۱۴۹۲۳۸

۱۳۸۹/۱۰/۲۰

تقدیم به:

پدر و مادرم؛ آنان که همواره در زندگی تکیه گاه من بودند و مشوق و راهبرانی دلسوز برایم  
بودند و به یقین حق مطلب را ادا کردند.

و با تشکر از:

جناب آقای دکتر منصور بخت، جناب آقای دکتر اکبری و جناب آقای دکتر حسینی  
که بارها بنمایها و ارشاداتشان در ارائه این پایان نامه مریاری نمودند.

## چکیده:

قاجارها علی‌رغم قدرت فراوان در دوره تاسیس سلسله قاجاریه در زمان سقوط سلطنتشان عملکردی ضعیف از خود ارائه دادند و بر خلاف دیگر سلسله‌های ایرانی کاملاً منفعلانه عمل کردند و کوشش‌های شاه و ولیعهد برای مقابله با رضاخان با همراهی افراد سرشناس خاندان قاجار همراه نشد. در حالیکه در این زمان از خاندان قاجار تنها چند خانواده سرشناس هنوز دارای مقام و نفوذ سیاسی بودند. اگر چه سیر قدرت‌گیری رضاخان و حرکت به سوی سلطنت بصورت تدریجی انجام شد. ولی خاندان قاجار با واکنش‌های فردی و متفاوت با سقوط سلطنتشان روبرو شدند و در نهایت برخلاف سایر حکومتها و سلسله‌ها در برابر تغییر سلطنت به آسانی تسلیم شدند و دست از تاج و تخت برداشتند.

یافته‌های این تحقیق که بر پایه روش‌های تاریخی و اسنادی بوده، نشان می‌دهد که رفتار متفاوت و متضاد خاندان قاجار در برابر تغییر سلطنت ریشه در از بین رفتن اتحاد، انسجام و قدرت سیاسی و نظامی آنها داشت. زیرا ایل قاجار بر اثر تن در دادن به نوسازی ناخواسته به تدریج در عرصه‌های متعدد از قدرت کنارنهاد شد و پس از وقوع نهضت مشروطه نیز خاندان قاجار قدرت استبدادی خود را از دست داد و به شدت ضعیف شد. مقاومت‌های ناکام محمد علی شاه و سالار الدوله آخرین مرحله از قدرت نمایی خاندان قاجار در عرصه سیاسی بشمار می‌آید و از این روی نه ایل نه خاندان و نه چهره‌های سرشناس قاجاری هیچ‌یک قادر به ایستادگی در برابر رضاخان نبودند و به همین دلیل به آسانی در برابر وی تسلیم شدند.

واژه‌های کلیدی:

خاندان قاجار، تغییر سلطنت، رضاخان، احمدشاه، سلسله قاجاریه.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱-۲۲	بخش مقدماتی
۲۳-۳۰	بخش اول: نقش انسجام قاجارها در کسب و استمرار قدرت سیاسی
۲۴-۳۰	فصل اول: نقش انسجام قاجارها در کسب و استمرار قدرت سیاسی
۳۱-۱۶۱	بخش دوم: بررسی عوامل و روند تضعیف خاندان قاجار در عرصه سیاسی
۳۲-۴۴	فصل اول: ناتوانی خاندان قاجار در اداره کشور در دوره ناصری و مظفری
۴۵-۵۱	فصل دوم: ناتوانی قاجارها در حل چالشهای ناشی از پیامدهای مواجهه با دنیای مدرن
۵۲-۱۰۶	فصل سوم: بررسی روند انحطاط قدرت و فروپاشی انسجام خاندان قاجار
۵۲	ظهور افکار و اندیشه‌های جدید در ایران و آغاز کوشش ایرانیان برای محدودسازی استبداد خاندان قاجار
۵۲	روی آوردن ایرانیان به تحصیلات جدید و ظهور متفکرین تحولخواه
۵۴	آشنایی مسافران ایرانی با پیشرفتهای دنیای مدرن
۵۴	روزنامه‌ها
۵۵	مدارس
۵۶	فروپاشی انسجام و قدرت قاجارها و از بین رفتن سلطنت استبدادی در اثر جنبش مشروطه
۷۸	آخرین تلاش نظامی خاندان سلطنتی برای بازگشت به استبداد قاجاری
۹۰	نگاهی به نحوه پرورش و شخصیت احمد شاه
۹۶	بررسی وضعیت قاجارها در دوران احمدشاه از تاجگذاری تا پایان جنگ جهانی اول
۱۰۷-۱۶۱	فصل چهارم: قرارداد ۱۹۱۹ و مقدمات ورود رضاخان در صحنه سیاسی
۱۰۷	قرارداد ۱۹۱۹
۱۳۱	وضعیت قوای نظامی ایران در دروه احمد شاه
۱۴۲	کودتای ۱۲۹۹ و ورود رضاخان بر عرصه سیاسی ایران
۱۶۲-۳۴۷	بخش سوم: بحران قدرت قاجارها و تغییر سلطنت
۱۶۳-۲۵۸	فصل اول: واکنش و عملکرد خاندان قاجار در برابر قدرت‌گیری رضاخان
۱۶۳	روند قدرت‌گیری رضاخان تا ظهور جمهوری رضاخانی
۱۸۴	واکنش و عملکرد احمدشاه در برابر قدرت‌گیری رضاخان
۱۹۹	محمد حسن میرزا ولیعهد و عملکردش در برابر احمد شاه و قدرت‌گیری رضاخان

موقعیت سیاسی و اجتماعی ایل و خاندان قاجار و نخبگان آن مقارن با قدرت گیری رضاخان ... ۲۰۶	
آغاز خروج رجال قاجار از عرصه سیاسی با کودتای ۱۲۹۹ ..... ۲۳۱	
طرفداران رضاخان در میان خاندان قاجار ..... ۲۴۹	
تلاش شاهزاده نصرت‌الدوله برای بازگشت به موقعیت سیاسی گذشته ..... ۲۵۲	
شاهزادگان قاجاری کناره گرفته از قدرت ..... ۲۵۶	
فصل دوم: نقش و عملکرد قاجارها در برابر تغییر سلطنت ..... ۲۵۸-۳۴۶	
تلاش برای برقراری جمهوری رضاخانی ..... ۲۵۸	
حملات روزنامه‌های طرفدار جمهوری به قاجارها ..... ۲۶۶	
تلاش مخالفین جمهوری و طرفداران سلطنت قاجاریه برای مقابله با جمهوری ..... ۲۷۰	
قاجارها و جمهوری رضاخانی ..... ۲۷۹	
عملکرد منفعلانه قاجارها در برابر احیای موقعیت رضاخان ..... ۲۹۰	
شکست آخرین حامی عشایری قاجارها در برابر رضاخان ..... ۳۰۱	
ناکامی طرفداران سلطنت قاجاریه در همراه نمودن خاندان سلطنت با ترور رضاخان ..... ۳۱۴	
تلاش نماینده طرفداران سلسله قاجاریه برای راضی نمودن شاه به بازگشت و آغاز جدایی میان خاندان سلطنت ..... ۳۱۵	
سقوط سلطنت قاجاریه ..... ۳۲۵	
نتیجه گیری ..... ۳۴۷-۳۵۱	
منابع و مأخذ ..... ۳۵۲-۳۶۳	

## بخش مقدماتی

### مدخل

نگاه و بررسی در تاریخ هزاران ساله ایران بر هر محقق و مورخی مسلم می‌سازد که بیشتر سلسله‌های حاکم بر این سرزمین خاستگاه ایلیاتی داشته‌اند و یا پایه‌های قدرت نظامی آنها بر شمشیرهای قبایل استوار بوده، چنانکه دولتهای ماد، هخامنشی، اشکانی، غزنوی، آل زیار، آل بویه، سلجوقی، خوارزمشاهی، ایلخانی، تیموری، آق قویونلو، قراقویونلو، صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه یا با کمک نیروی نظامی قبایل به قدرت رسیدند و بر ایران حکومت کردند، و یا برای رویارویی با دشمنان از نیروی قبایل در سپاهشان بهره گرفتند.

عشایر به دلیل نوع زندگی و محیطی که در آن نشو و نما کرده‌اند، دارای روحیه جنگاوری و سلحشوری بوده‌اند، زندگی در مناطق کوهستانی و نقاط صعب العبور و کوچ دایم و گذر از مناطق خطرناک و مواجهه با خطرات و بلایای طبیعی و حیوانات وحشی و قبایل مهاجم آنها را از لحاظ روحی و جسمی برای مواجهه با ناملازمات و سختیها آماده ساخته بود. از طرفی دیگر مقتضیات این نوع زندگی، اعضای ایل را ملزم به حفظ سلسله مراتب ایلی می‌کرد، تا بدین طریق وحدت و یکپارچگی ایل حفظ شده و بتوانند، در برابر خطرات بایستند. همین وحدت فرماندهی و تابعیت محض سبب بوجود آمدن قدرتی می‌شد که بقای ایل را تضمین می‌کرد. افزایش جمعیت، در میان ایل و علاقمندی ایلیها به دستیابی به مایملک شهریان و روستائیان و همچنین کمبود چراگاهها به میزان دامهای ایل همواره آنها را به طرف شهرها و روستاها می‌کشاند. حرکت ایل به سمت روستا و یا شهر همواره باعث ایجاد مشکلاتی در زندگی ساکنان و کوچ‌نشینان می‌شد و در نهایت تعارض میان زندگی کوچ‌نشینی و زندگی مبتنی بر سکونت در یک نقطه و تمایل به زندگی راحت تر و بدست آوردن امکانات

بیشتر برای زندگی سبب هجوم کوچ‌نشینان به نواحی روستایی و شهری می‌شد، که عمدتاً به دلیل جنگاوری و روحیه سلحشوری، پیروزی با کوچ‌نشینان بود. کوچ‌نشینان با پیروزی و تسخیر شهرها و روستاها حکومت را بدست می‌گرفتند، ولی تجربه‌ای برای اداره منطقه تحت حاکمیت خود نداشتند، چرا که بر چگونگی روابط میان مردمان شهرها و روستاها آشنایی نداشتند و به تبع از ضوابط و مقررات حاکم بر زندگی ساکنان شهر و روستا نیز آگاه نبودند. لذا برای اداره قلمروشان نیاز به افرادی داشتند که هم بر این روابط و ضوابط آگاه باشند و هم خطری برای آنها ایجاد نکنند، تا به دست آنها قلمروشان را اداره کنند و بدین ترتیب بود که اهل قلم در کار اداره حکومت به آنها کمک کردند، تا هم حاکم ایلیاتی که جز شمشیر زدن هنری نداشت، بتواند، حکومت کند و هم مردم شهر و روستا از شر اجحاف و ناکارآمدی حکومتگران حداقل مصونیتی داشته باشند. و بدین ترتیب اداره مملکت و جمع‌آوری مالیات و قضاوت در دست دیوانسالاران بود. اهل قلم یکی از ارکان اصلی حکومت ایلیاتی در ایران به حساب می‌آیند، البته لازم به ذکر است که دیوانسالاران شغل بسیار خطرناکی را در دست داشتند و هر آن ممکن بود که مورد خشم و غضب حاکم و یا نظامیان قرار بگیرند و جان و مال خود را از دست بدهند. چنانکه بزرگترین دیوانسالاران ایران نظیر عمید الملک کندی، خواجه رشید الدین فضل‌الله، قائم مقام فراهانی، شمس الدین محمد جوینی و ... بدست همین سلاطین و شاهان برآمده از ایل و زندگی کوچ‌نشینی کشته شدند. همچنین خصلت مهم سلاطین و شاهان که بر آمده از نوع زندگی آنها و نیاکانشان بود، بدست آوردن غنایم بیشتر بدون توجه به ساختن و آبادانی و عمران بود. البته در میان آنها افرادی پیدا می‌شدند که تعلیمات اهل قلم در آنها مؤثر افتد و در جهت آبادانی قلمرو و رعایت حال مردم شهر و روستا بکوشند، ولی جانشینان آنها عمدتاً فاقد چنین روحیه‌ای بودند و تربیت نظامی و خوی ایلی بر تعالیم دینی و دیوانی آنها غلبه می‌نمود و بار اجحافهای آنها بر گرده رعیت گذارده می‌شد و وزیران لایق عرضه تیغ اهل شمشیر می‌شدند و اوضاع سامان یافته سلفشان آشفته شده، روستاها ویران می‌شدند و شهرها نقصان می‌یافتند. تا آنجا که در آمد مالیاتی کم می‌شد و مواجب سپاهیان مرتب پرداخت نمی‌شد، شورش بر پا شده و فردی با کارآمدی بیشتر حاکم می‌شد و یا ایلی دیگر با انسجام بیشتر و فرماندهی قویتر بر این سلطان غلبه می‌کرد و دوباره کار حکومتگری ایلی جدید آغاز می‌شد.

انسجام و وحدت در میان ایلی که برای بدست آوردن حکومت می‌کوشید، شرط اول و لازم برای پیروزی بود. با نگاهی به حکومت‌های ایلی در ایران در می‌یابیم که تمام این حکومتها یا انسجام و وحدت توانستند، قدرت را به دست آورند. البته زمانی آنها به انسجام دست می‌یافتند که فردی را در میان خود داشته باشند که هم قابلیت فرماندهی بالا و هم دوراندیشی بسیار داشته باشد و در سلسله نظام ایلیاتی از لحاظ خانوادگی از رتبه‌ای بالا برخوردار باشد، تا تمام شاخه‌ها و تیره‌های ایل به تدریج فرماندهی و ریاست او را بر خود بپذیرند و اتحاد و انسجام خود را حول او و خاندان و طایفه‌اش بدست آورند. تا زمانی که این امر محقق نشود، دستیابی به پیروزی برای ایل میسر نمی‌گردد، هرگاه انسجام میان ایل از میان برود،



از آن زمان شکست و زوال قدرت آنها آغاز می‌شود، چه بر سر قدرت باشند و چه در راه بدست آوردن قدرت بکوشند. و برادران وقتی ثبات وعزم او را دیدند و کشتن او را سبب ملامت دیگران دانستند، به سلطنت او راضی شدند.

این داستان وجوب اتحاد و همبستگی حول فرماندهی مصمم و دوراندیش از خاندان ایلخان را به عنوان شرط اساسی برای آغاز حرکت ایل جهت رسیدن به قدرت بیان می‌کند. زوال تمام سلسله های برآمده از خاندانهای کوچ‌نشین زمانی آغاز می‌شد که تفرقه و نفاق در میان طایفه و خاندان حکومتگر ظاهر می‌شد و آنچنان خاندان سلطنت به خود مشغول می‌شدند، که زمینه برای برآمدن ایلی دیگر فراهم می‌شد. ایل جدید که حول فرماندهی لایق انسجام یافته و آماده برای تلاش در جهت تکیه زدن بر اریکه قدرت بود.

حکومتگران برای ادامه حکومت تنها به قدرت نیازمند نبودند. آنچه که مکمل قدرت آنها بود، پذیرش حکومت در جامعه بر پایه حقانیت حکومت در امر و نهی و تصمیم‌گیری بود. در حقیقت حکومت باید مشروعیت می‌داشت. در دوره ایران باستان پادشاه در صورتی مشروع بود که فره ایزدی داشت. البته هیچ معیار و مقیاسی برای آنکه نشانگر میزان فره ایزدی شاه باشد، وجود نداشت، اما اگر فردی قدرت را به دست می‌گرفت، جامعه قانع می‌شد که دارای فره ایزدی است و فرمان او در جامعه و در بین زبردستان مطاع بود.

در ایران اسلامی مبنای مشروعیت حاکم تغییر یافت و سلطان یا شاه می‌بایست برپایه موازین اسلامی حکومت کند، چون غالب مردم مسلمان بودند، فرمانروایی کسی پذیرفته می‌شد که متصدیان اسلام خواه خلیفه یا علما حکومت او را تایید کنند.

حمایت علما از حاکمان مشروط به رعایت حداقلهایی از وظایف یک حاکم اسلامی بود. که از مهمترین آنها رعایت ظواهر اسلامی بود که شامل ترویج دین اسلام، اجرای احکام شرع، امر به معروف و نهی از منکر می‌شد و همچنین حفظ حدود و ثغور سرزمین اسلامی، احسان و عدل از دیگر شرایط مشروعیت حاکم بشمار می‌آمد.

لازم به ذکر است که فرمانروایان فاقد اکثر شروط فوق بودند. ولی بیشتر آنها تلاش داشتند که در ظاهر این گونه تلقی و تبلیغ نشود که آنها تمام یا قسمتی از این شرایط را اجرا نمی‌کنند. علی‌رغم آنکه آنها به زور شمشیر بر قدرت مسلط شده بودند و حکومت آنها مورد پذیرش قرار گرفته بود.

حکومتها بطور عمومی روندی تقریباً مشابه را می‌پیمودند تا منقرض می‌شدند و در تاریخ اسلام ابن خلدون مورخ دوره اسلامی توانست نظریه‌ای در باب تاسیس و سقوط حکومتها و روندی که حکومتها از تاسیس تا سقوط طی می‌کنند را ارائه نماید که قابلیت انطباق زیادی با حکومتهای ایلی در ایران دارد.

ابن خلدون در قسمتی از مقدمه کتاب العبر به بررسی تحلیلی تشکیل و سقوط حکومت قبایل پرداخته است. از نظر ابن خلدون ریاست قبایل نصیب عضوی از قبایل می شود که دارای عصیبت بیشتری باشد و بتواند عصیبت قبیله را در جهت سازماندهی کند، که قبیله قادر باشد، در برابر خطرها و دشواریها خود را حفظ کند و قدرت خود را گسترش دهد، فرهنگ کوچ نشینی بخاطر میل به قدرت، ثروت و آسایش به سوی تمدن کشیده می شود و بر حکومت اسلاف خود که فرتوت ناتوان شده اند پایان می دهد. جامعه کوچ نشین بخاطر خصلتهای خود که شامل قدرت بدنی، شجاعت و بردباری و همبستگی قبیله ای است بر ساکنین شهرها غلبه می یابد و حکومت کوچ نشینان پیروز بر تمدن فتح شده آغاز می شود، حکومت قبایل نیز تابع قانون رشد، بلوغ و انحطاط هستند و از پنج مرحله دوران فتح و استیلا، دوران خودکامگی و تسلط قبیله و تشکیل دودمان، دوران دستیابی به اوج قدرت، دوران انحطاط، دوران سقوط عبور می کنند.

در دوره اول تکیه حکومت بر عصیبت اعضای قبیله است، این عصیبت مبتنی بر خویشاوندی و دین است و اعضای قبیله از حاکم به عنوان رئیس قبیله فرمانبرداری می کنند و به او احترام می گذارند، ولی در دوره خودکامگی، حاکم تمام قدرت را به انحصار خود در می آورد و خود کامگی پیشه می سازد و قدرت مبتنی بر همبستگی و انسجام قبیله جای خود را به سپاه مزدور و دیوانسالاری می دهد و لشکر، خزانه و گروهی از علما به صورت ابزاری برای حفظ حکومت حاکم در می آیند. دوران اوج قدرت را حاکمان صرف سازمان دادن به امور مالی دولت و صرف هزینه های گزاف برای ساختن بناهای شکوهمند به تقلید تمدنهای مشهور می کنند و با بذل و بخشش هواداران را توانگر می سازند و آنها نیز به زندگی تجملاتی رو می آورند و اقتصاد رونق می گیرد و هنرهای مختلف بروز و ظهور می یابند. در دوره انحطاط، حاکمان و مردم هر دو به زندگی مرفهانه، و راحت طلب خو می گیرند و حاکمان خصایل سلحشوری و جنگاوری خود را از دست می دهند و به ارضای هوسها و تمایلات خود می پردازند و از این زمان انحطاط و حکومتها آغاز می شود. در دوره سقوط اسراف و تبذیر حاکم شده و حکومت به دوران پیری خود رسیده است. حکومت فرتوت و ناتوان بصورت خشونت بار و در پی جنگهای خونین و به قتل رسیدن خاندان حکومتگر بوسیله کوچ نشینان تازه نفس ساقط می گردد و حکومت قبیله جدید آغاز می شود. در دوره سقوط، راحت طلبی موجب ناتوانی جسمی و فساد حاکمان شده، قدرت جنگاوری آنها را می گیرد و زندگی پر تجمل حکومتگران که با اسراف همراه شده، مالیاتها را برای رعیت طاقت فرسا می سازد و به معیشت آنها لطمه می زند و فعالیت اقتصادی را کم می کند و مردم به دلیل وضعیت بد اقتصادی و مشکلات زندگی از لحاظ جسمی ضعیف می شوند و بیماریهای خطرناک و واگیردار نظیر وبا شیوع می یابد. جمعیت شهرها در اثر وضعیت نابسامان مردم کاهش می یابد و روند فروپاشی حکومت آغاز می شود و اختلاف بین خاندان حکومتی اوج می گیرد و مناطق دور دست از حکومت مستقل می شوند و قلمرو حاکمیت تکه تکه شده و در هر قسمت یکی حاکم می شود. در مرکز حکومت هم سپاهیان مزدور و

دیوانسالاران برای بدست آوردن قدرت به دسیسه رو می آورند و به کشمکش با هم می پردازند و از حکومت جز نامی باقی نمی ماند ، تا زمانی که قوم مهاجم از بیرون به حکومت حمله آورد و حکومت فرتوت را سرنگون سازد. سقوط سلسله‌ها و حکومتها در ایران اسلامی همانطور که ابن خلدون نیز در نظریه خود ارائه کرده است غالباً طی کشمکش و نبردهای خونین قدرت در حال انقراض با مدعیان قدرت صورت گرفته است حکومتها همانطور که ابن خلدون نیز اشاره دارد، روندی تا انقراض طی می کنند و زمانیکه به دوران ضعف و انحطاط خود می‌رسند بدست قبیله‌ای مدعی از میان می‌روند، این درحالی است که با توجه به سقوط سلسله قاجاریه در می‌یابیم که سقوط سلسله قاجاریه تفاوتی با سقوط دیگر سلسله‌های ایلی در ایران دارد.

### طرح مساله:

قاجارها آخرین سلسله‌ای در تاریخ ایران بودند که زمام حکومت را بر پایه قدرت ایلیاتی در دست گرفتند. ولی سقوط سلسله قاجار در شرایطی اتفاق افتاد که متفاوت با تمام سلسله‌های قبلی ایران بود. قاجارها با اتحادی که در میان ایل خود برقرار کردند و نیروی نظامی که ناشی از این انسجام بود. سالها بر ایران حکومت کردند. سلسله قاجار بیش از یکصد و سی سال بر ایران حکمرانی کردند بدون آنکه ایلی دیگر در ایران بتواند ، سلطنت قاجارها را در خطر جدی قرار دهد. قاجارها به کمک نیروی نظامی و تدبیر و پخش شدن ایل و خاندان قاجار در ایران و سپردن حکومت نواحی مختلف به قاجارها به خوبی توانست ، از عهده مهار ایلات و عشایر ایران برآید. قاجارها در دوران استقرار و تثبیت، خطر بالقوه را در ایلهایی می دیدند که می توانستند ، دردسری برای آنها فراهم آورند. لذا تعدد اولاد شاه و خاندان قاجار و پخش شدن آنها در سرتاسر ایران امکان کنترل ایران را برای شاه قاجاری ممکن می ساخت.

در دوران زوال و تغییر سلسله قاجاریه ایل‌های رقیب خطر اصلی برای موجودیت قاجارهای نبودند. خطرها از نوعی دیگر بود و زمینه‌هایی جدای از تجربه تاریخی ایران زمین داشت. خطر اصلی در ابتدا از طرف تحول خواهانی بود که سیستم استبداد قاجاری را برای اداره کشور ناکارآمد می دانستند و گروهی که توانستند، سلطنت قاجاریه را براندازند ، نیروی نظامی بودند که به روش و سبک جدید به وجود آمدند، تا حافظ سلطنت شاه قاجاری باشند. شاهان قاجاری در دوران زوال سلطنت شبها آرام سر بر بالین می گذاشتند، چون قوای قزاق بیدار و مراقب جان قبیله عالم و حافظ امنیت سلسله قاجار بودند . ولی همین نیرویی که از طرف شاه قاجاری مورد استفاده قرار گرفت ، تا صدای تحول خواهان و اصلاح طلبان را در تلاشی

نافرجام خاموش کند، خود بلای جان جانشینش شد و با کمک و تأیید بریتانیا، همسایه قدرتمند جنوبی، دست به کودتا زد و رضاخان نامی از میان قزاقها سردرآورد و مدعی سلطنت احمد شاه؛ وارث تاج و تخت خاقان مغفور؛ شد.

قاجارها که به مدت طولانی توانستند در ایران به حکومت بپردازند و مخالفان سنتی خود را به خوبی مهار کنند. در شرایط جدید کارآیی خود را از دست دادند و در برابر اقدامات مرحله به مرحله رضاخان برای قبضه قدرت طوری فلج شده بودند که واکنش موثری از خود بروز ندادند. واکنشهای آنها متفاوت و گاه متضاد بود و حتی گروهی از خاندان قاجار در کنار رضاخان قرار گرفتند. شاه و ولیعهد هم مانند دیگر قاجاریان در این بحران عملکرد ضعیفی داشتند و به شکلی متفاوت از غالب آخرین شهریاران سلسله‌های ایرانی عمل کردند و کوششهای آنها برای مقابله با رضاخان، با همراهی افراد سرشناس خاندان قاجاری همراه نشد و این در حالی بود که خاندان قاجار مانده در سر قدرت، منحصر به چند خاندان سرشناس می شد و روند تدریجی به سلطنت رسیدن رضاخان با واکنش‌های فردی و متفاوت قاجارها همراه شد که هر کدام به راهی متفاوت می رفتند. قاجارها بر خلاف سایر حکومتها به آسانی تسلیم شدند و دست از تاج و تخت برداشتند و بر خلاف دوره تاسیس در هنگام سقوط از کمترین توانایی برای مقابله برخوردار نبودند.

این مسئله این پرسش را به وجود می آورد که قاجارها علی رغم قدرت فراوان در دوره تاسیس سلسله قاجار، چرا در این هنگام به آسانی سقوط کردند و توانایی مقابله خود را از دست دادند؟

## ادبیات تحقیق:

تاکنون تحقیقات و رساله های زیادی در مورد تغییر سلطنت از قاجاریه به پهلوی به رشته تحریر درآمده که عبارتند

از:

- ۱- «جنبش جمهوری خواهی در ایران (۱۳۰۲)» پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی داریوش رحمانیان
- ۲- «تحولات سیاسی ایران از کودتای ۱۲۹۹ هـ.ش» پایان نامه کارشناسی ارشد سید مسعود جزایری
- ۳- «مجلس پنجم مرگ و زندگی آزادی» موضوع رساله پایان نامه کارشناسی ارشد رضا مختاری اصفهانی
- ۴- «علل و فرآیند تحول نظام سیاسی مشروطه: جنبش جمهوری خواهی و تغییر سلطنت» موضوع رساله پایان نامه دکتری تاریخ علیرضا ملایی توانی
- ۵- «بررسی علل تغییر مشروطه به دیکتاتوری پهلوی» موضوع رساله کارشناسی ارشد رشته حقوق و علوم سیاسی

فریبرز محرم خانی

۶- «جمهوری و تغییر سلطنت قاجاریه پهلوی» موضوع رساله پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ غلامرضا نظری

دهلوی

۷- «نقش بی‌ثباتی داخلی در شکل‌گیری حکومت پهلوی اول» موضوع رساله پایان‌نامه حقوق و علوم سیاسی

معصومه رضایی نژاد

۸- «نقش نخبگان سیاسی ایران در استوار رژیم رضاخان» موضوع رساله پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمد حسین

دیدگاه

۹- «ایران، برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسها» موضوع کتاب سیروس غنی است که حسن کامشاد

اثر را به فارسی ترجمه کرده است.

۱۰- «دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی» موضوع کتاب محمد علی همایون کاتوزیان که

حسن افشار آن را به فارسی ترجمه کرده است.

۱۱- «زندگی سیاسی عین الدوله» موضوع رساله پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ حبیب ا... مداح

۱۲- «نقش حزب سوسیالیست در تحولات سیاسی ایران از سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ه. ش» موضوع رساله

پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ کمال‌الدین طباطبایی

۱۳- «نقش علما در سیاست (از مشروطه تا انقراض قاجار) موضوع رساله پایان‌نامه دکترای محسن بهشتی سرشت

۱۴- «نقش طبقه متوسط جدید در انتقال قدرت از قاجار به پهلوی» موضوع رساله پایان‌نامه کارشناسی ارشد تقی

حسینی

«جنبش جمهوری خواهی در ایران (۱۳۰۲)» پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی داریوش رحمانیان ، از

نظر زحمانیان تفکر جمهوری خواهی از دوره ناصری در میان روشنفکران و طبقات تحصیلکرده گسترش پیدا کرده بود، ولی

استبداد مطلقه شاه قاجار و زدن انگ با بی‌گری به جمهوری خواهان از طرف دستگاه سلطنت قاجاری سبب شده بود که

جمهوری خواهان از تبلیغ ایده‌ها و افکار واقعی خود در میان توده‌های مردم خودداری کنند و با بیان اصلاح طلبی و قانون

خواهی خواسته‌های خود را پیگیری کنند ، چرا که غالب نویسندگان سیاسی از رجال دولتی و حقوق بگیر شاه مستبد قاجاری

بودند و همچنین با مردمی سروکار داشتند که از تحولات فرهنگی و مدنی آن روزگار بیگانه بودند و در نتیجه با اندیشه‌ها و

نظام نوین سیاسی اجتماعی هم‌آشنایی نداشتند ، لذا در جنبش مشروطه نیز باز نامی از جمهوری خواهی برده نشد و

مشروطه خواهان خواستار قانون و مشروطه سلطنتی بودند. در دوران سقوط محمد علی شاه فکر جمهوری خواهی و براندازی

نظام سلطنتی در میان روشنفکران انقلابی مطرح شد ولی به علت مخالفت محافظه کاران اعتدالی و نفوذ فوق العاده روسیه

تزاری که حتی حاضر به پذیرش برقراری مشروطه سلطنتی در ایران هم نبود، این نظرات بروز عملی پیدا نکرد. پس از سقوط روسیه تزاری بود که جنبشهای مسلحانه ای نظیر جنبش جنگل خواستار برقراری جمهور شدند ولی کودتای ۱۲۹۹ رضا خان امکان هر گونه حرکت را از انقلابیون گرفت. و دولت مرکزی نیرومند شد و تمام جنبشهای مسلحانه و حکومتهای نافرمان را از میان برداشت و دولتی متمرکز در ایران پدید آمد. بر اثر اعلام جمهوری در ترکیه بار دیگر در ایران بر علیه سلطنت قاجاریه حرکتی آغاز شد که خواستار سرنگونی سلطنت قاجاریه و برقراری جمهوری به ریاست جمهوری رضا خان شد، ولی بدلیل آنکه رضاخان در نظر روشنفکران مخالف مهره انگلیس تلقی می گردید، جمهوری خواهی به عنوان حرکتی انگلیس ساخته در میان جامعه مطرح شد و از اسباب بزرگ شکست جمهوری خواهی گردید، در حالی که در مساله جمهوری خواهی دولت بریتانیا بی طرفی مثبت را پیشه ساخته بود. از نظر محقق مخالفت و نارضایتی علمای مذهبی از دیگر عوامل شکست جمهوری خواهی بود که البته علما سخنگوی مردم بودند و نظرات مردم را نسبت به جمهوری رضاخانی بیان می کردند. در نهایت محقق بر این نظر است که درست است که جمهوری خواهی شکست خورد، ولی رضاخان دست از آمال خود برداشت و به سلطنت قاجاریه پایان داد و خود بر تخت سلطنت نشست و دیکتاتوری ۵۳ ساله سلسله پهلوی در کشور ایجاد شد. وی سپس این پرسش را مطرح می نماید: اگر جنبش جمهوری خواهی در سال ۱۳۰۲ پیروز می شد آیا تاریخ معاصر ایران به گونه ای بهتر رقم نمی خورد؟

البته این تحقیق به مساله جمهوری خواهی در ایران پرداخته و مساله تغییر سلطنت قاجاریه را از زوایه جمهوری خواهی در ایران مورد بررسی قرار داده و تا شکست جمهوری رضاخانی مورد بررسی محقق قرار گرفته است.

« تحولات سیاسی ایران از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش تا تاسیس حکومت پهلوی » موضوع رساله پایان نامه کارشناسی ارشد سید مسعود موسوی است. در این رساله محقق صعود رضاخان بر اریکه سلطنت را نتیجه اوضاع و تحولات داخلی و تحولات سیاسی بین الملل می داند. از نظر محقق جنبش مشروطیت حرکتی مثبت در جهت پایان بخشیدن به استبداد حاکمان و سرسپردگی آنها به قدرتهای خارجی بود که به دلیل آماده نبودن بستر جامعه برای برقراری نظام مشروطه با شکست مواجه شد و وجود مشکلات اقتصادی، اختلافات گروههای سیاسی و ناتوانی هیات حاکمه، باعث شیوع این تفکر در سطح جامعه شد، که برای پایان دادن به نا امنی و مشکلات، وجود حکومت مقتدر و با ثباتی لازم است. از طرفی دیگر دولت بریتانیا که پس از پایان جنگ اول جهانی تحت فشار افکار عمومی کشورش که با هر گونه سیاست توسعه طلبانه و مداخلات نظامی در دیگر کشورها مخالف بودند و همچنین مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ مجبور شد، تا به سیاستی در ایران روی آورد که تشکیل حکومت مقتدر مرکزی بود، تا بتواند از نفوذ کمونیسم به داخل ایران جلوگیری نماید و منافع نفتی و دیگر منافع اقتصادی را در ایران حفظ کند و پس از مخالفت عمومی با قرارداد ۱۹۱۹ به حمایت از کودتای ۱۲۹۹

شمسی قزاق پرداخت و رضاخان به علت تمرکز قدرت نظامی در دستانش ، فقدان دولتمردان و شخصیت‌های سیاسی کارآمدی که توان جلوگیری از توسعه طلبی رضاخان را داشته باشند و حضور کمرنگ شاه و دستگاه سلطنت در صحنه سیاسی کشور موفق شد ، تا سلسله قاجاریه را براندازی کند و روابط مستحکم رضاخان با بریتانیا و دیدگاه مثبت شوروی نسبت به وی از لحاظ بین المللی نیز شرایط را برای رضاخان مهیا نمود.

در این رساله محقق از یک نگاه عمومی به وقایع سالهای پایانی سلطنت قاجاریه بهره گرفته تا به تبیین مساله تغییر سلطنت پردازد.

« مجلس پنجم مرگ و زندگی آزادی » موضوع رساله پایان نامه کارشناسی ارشد رضا مختاری اصفهانی است. در این رساله محقق به بررسی نقش مجلس پنجم در رسیدن رضاخان به اریکه سلطنت می‌پردازد. از نظر محقق مجلس پنجم از نمایندگان افکار و سلیقه های مختلف سیاسی از سنتی‌های مخالف رضاخان تا متجددین موافق او تشکیل شده بود ، مجلسی که شاهد صف بندی‌های نا پایدار بود که دلیلی بر نهادینه نشدن دموکراسی در ایران آن دوره بود و آنچه که مجلس را به همراهی با اقدامات رضاخان وامی داشت ، قدرت رئیس دولت و اعتقاد عمومی بر حفظ رضاخان در صحنه سیاسی کشور بود. همچنین محقق در این رساله روند تلاشهای رضاخان برای همراه نمودن مجلس پنجم با آمال خود را مورد بررسی قرار می دهد. محقق در این رساله به عملکردهای مختلف و گاه متناقض مجلس پنجم در برابر اقدامات رضاخان می پردازد که در نهایت رضاخان موفق شد تا مجلس پنجم را با ترفندهای مختلف با تغییر سلطنت قاجاریه همراه سازد و خود بر تخت سلطنت نشیند و دوره‌ای از دیکتاتوری را بر پا نماید.

« علل و فرآیند تحول نظام سیاسی مشروطه : جنبش جمهوری خواهی و تغییر سلطنت » موضوع رساله پایان نامه دکتری رشته تاریخ علیرضا ملایی توانی است. در این رساله محقق با پژوهش بر پایه منابع اصلی و تحقیقات جدید کوشیده است ، تا به شکلی روشمند و تحلیلی و نیز بهره گیری از تئوری های جامعه شناختی و اندیشه سیاسی علل و فرآیند تحول سیاسی ایران در سال های پس از مشروطه را در چهار چوب جنبش جمهوری خواهی و تغییر سلطنت مورد بررسی قرار دهد. محقق با نگاهی آسیب شناسانه به جنبش مشروطیت موانع استقرار این نظام و نیز زمینه‌ها و علل تحول مشروطه را بررسی کرده است. سپس با بررسی مبانی فکری تغییر نظام سیاسی، بنیادهای نظری و بسترهای اجتماعی اقتصادی تحول گفتمان مشروطه خواهی به گفتمان جمهوری خواهی را به گفتگو نهاده و با توجه به جایگاه رضاخان در کابینه‌های پس از کودتا ، به ارزیابی چگونگی برجسته شدن رضاخان در این فضا پرداخته است و سپس با تحلیل جنبش جمهوری خواهی و تعامل نهادها و نخبگان سیاسی با آن، علل ناکامی و نیز پیامدهای آن را مطرح ساخته . سپس محقق با بررسی براندازی خزعل و سلب اختیارات قانونی شاه و اعطای فرماندهی کل قوا به رضاخان ، بسترهای اجتماعی تغییر سلطنت را

به بحث گذاشته و سرانجام از ناکارآمدی احمد شاه و نقش نخبگان سیاسی، ارتشی و نیز دولت های روس و انگلیس در فرآیند تحول نظام سیاسی مشروطه سخن گفته است.

« بررسی علل تغییر مشروطه به دیکتاتوری پهلوی » موضوع رساله کارشناسی ارشد رشته حقوق و علوم سیاسی فریبرز محرم خانی است. در این پایان نامه سعی شده است که این حادثه مهم از رهیافتی جامعه شناختی مورد مطالعه قرار گیرد؛ دغدغه عمده تحقیق این است که چرا انقلاب مشروطه به دیکتاتوری رضاخان منجر شد. محقق انقلاب مشروطه را انقلابی محافظه کارانه و از بالا می‌داند که نتیجه قهری آن روی کار آمدن حکومت‌های اقتدارگر است، این گونه انقلابها بیشتر در جامعه فنودالی رخ می‌دهد و طبقه متوسط برای مشارکت در قدرت ناچار است، با طبقه زمیندار ائتلاف کند، ولی این ائتلاف بسیار شکننده است و به محض کوچکترین تحولی دوباره زمینداران حاکم بلامنازع می‌شوند و رقیب را با روی کار آوردن و حمایت کردن از یک حکومت قوی از صحنه خارج می‌کنند. در بررسی های این تحقیق مشخص شده که ترکیب گروه‌های سهم در قدرت در قبل و بعد از انقلاب مشروطه تغییر محسوسی نکرد و مانند قبل از انقلاب مشروطه، بعد از انقلاب مشروطه نیز سهم عمده قدرت از آن زمینداران و فرزندان آنها شد و این گروه برای حفظ وضع موجود از حکومت دیکتاتوری رضاخان حمایت کردند.

« جمهوری و تغییر سلطنت قاجار به پهلوی » موضوع رساله کارشناسی ارشد تاریخ غلامرضا نظری دهنوی است. در این رساله محقق بر این نظر است که مساله جمهوری ابتکار رضاخان برای پایان بخشیدن به سلسله قاجار بود، ولی با مخالفت روحانیون و بازاریها شکست خورد و رضاخان مصمم به تغییر سلطنت شد، احمد شاه که مرد میدان رضاخان نبود، کاری انجام نداد و بسیاری از مردم بویژه مالکان، بزرگان، روحانیون، روشنفکران و مردم عادی به سردار سپه گرویدند، زیرا اقدامات وی را برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی مفید می‌دانستند.

« نقش بی ثباتی داخلی در شکل گیری حکومت پهلوی اول » موضوع رساله پایان نامه معصومه رضایی نژاد در رشته حقوق و علوم سیاسی است از نظر محقق انقلاب مشروطه بر اثر اختلاف درونی و فشارهای خارجی نتوانست نظام سیاسی جدید و کارآمدی را جایگزین نظام ناکارآمد و فرسوده پیشینی سازد. اجرای اصلاحات مورد نظر مشروطه خواهان نیازمند وفاق اجتماعی، گسترش دامنه وفاداری به منافع ملی، میزان حداقلی از توسعه اقتصادی، تمرکز قدرت، ایجاد نهادهای قانونمند و عقلایی و... بود. پیام عدم موفقیت مشروطه در ایجاد این چارچوبهای قانونی و ناتوانی در تشکیل دولتهای باثبات رشد و گسترش آشوب و هرج و مرج در سراسر کشور بود. اوضاع بی ثبات ایران طی سالهای ۱۲۹۹-۱۲۸۵ نقش تعیین کننده‌ای در ضرورت فوری برقراری نظم، امنیت و ثبات و در یک کلام تشکیل یک حکومت مقتدر داشت. بی



ثباتی که در آن سالها رخ داد، همراه با ضرورت‌های نوسازی اقتصادی - اجتماعی زمینه ساز تحولاتی گشت که به ظهور و قدرتیابی سریع رضاخان و صعود او به مقام سلطنت در ایران انجامید.

« نقش نخبگان سیاسی ایران در استقرار رژیم رضاخان » موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد محمد حسین دیدگاه است. از نظر محقق نخبگان ایرانی پس از جنگ جهانی اول و شکست دولت ملی به این نتیجه رسیدند که فردی باید خارج از حلقه نخبگان با خشونت و استبداد اساس زندگی را تغییر دهد. آنها برای جامعه ایران معتقد به زور بودند، زیرا بر این باور بودند که روحیه ایرانیان به علت حکومت استبدادی به زور عادت کرده است. ولی آنها به استبداد زودگذر عقیده داشتند، در حالیکه این استبداد پایدار بود و همین نخبگان را به ترتیب از صحنه خارج کرد.

« ایران ، بر آمدن رضاخان، بر افتادن قاجار و نقش انگلیسها » موضوع کتابی به قلم سیروس غنی است که با ترجمه حسن کامشاد و توسط انتشارات نیلوفر به چاپ رسیده است. در این کتاب محقق سعی نموده که با توجه به دستیابی به آرشیو مکتوبات و تلگرافهای نمایندگان سیاسی و نظامی بریتانیا در ایران و همچنین منابع برجای مانده از دوره تغییر سلطنت به بررسی و تبیین چگونگی برآمدن رضاخان بپردازد. از نظر غنی رضاخان پس از انجام کودتای ۱۲۹۹ و رسیدن به مقام وزارت جنگ توانست ، به اهداف اصلی خود که یکپارچگی ارتش و استقرار حاکمیت دولت مرکزی و انهدام اقتدار عشایر سرکش بود، جامه عمل بپوشاند ، ولی در آن دوره کسی گمان نمی برد که رضاخان که یک افسر قزاق بود حتی بتواند به ریاست وزراء دست یابد، چه برسد به آنکه ، سلطنت قاجاریه را منقرض کند و خود بر تخت سلطنت نشیند. ولی عوامل ذیل زمینه را برای پیدایش رهبری پرتوان و خودکامه آماده کرد ، که عبارت بودند از بیش از یک قرن خواری کشیدن از کشورهای قدرتمند خارجی ، شکست مشروطه ، تجزیه کشور به مناطق نفوذ قدرتهای خارجی، تلاش برای تحمیل قرار داد ۱۹۱۹ میلادی به ایران، جنبشهای جدایی طلب در چهار استان بزرگ و ثروتمند کشور ، ترس از افتادن مناطق شمالی کشور بدست بلشویکها ، پادشاهی عیاشی، طماع و ضعیف النفس؛ ناتوانی سیاستمداران از انجام هر گونه اقدام موثر و بی اعتباری رجال سیاسی و ناپدید شدن آثار نظم و امنیت در کشور.

تمام این عوامل مردم را فرسوده کرد و رضاخان که دریافته بود ، مردم آرزومند حکومت مقتدر هستند که به تمام هرج و مرجها پایان دهد و نظم و امنیت را برقرار سازد از این فرصت بهره جست و پس از برقراری امنیت در کشور بر تخت سلطنت نشست، از نظر محقق رضاخان بازیگر و طراح اصلی نقشه تغییر سلطنت بود. و بریتانیا با سیاست لورین سفیر وقت بریتانیا در ایران در جهت همراهی با رضاخان گام برداشت و تغییر سلطنت و تعیین رضاشاه به سلطنت ایران را به رسمیت شناخت.

« دولت و جامعه در ایران. انقراض و استقرار پهلوی » موضوع کتاب محمد علی همایون کاتوزیان که با ترجمه حسن افشار و توسط نشر مرکز به چاپ رسیده است ، در این کتاب محقق نظریه ای جدید و متفاوت را درباره دولت، سیاست و جامعه ایران عرضه کرده است و در طی این نظریه تناوب پیوسته استبداد و هرج و مرج را ویژگی تاریخ سیاسی ایران می داند و در این کتاب این نظریه به طور تفصیلی و کامل و با تحلیل شواهد تطبیقی از تاریخ ایران و اروپا در زمینه چگونگی مالکیت ، قانون، مشروعیت، عصیان ، تحرک اجتماعی و غیره عرضه شده است، سپس این نظریه ، به عنوان الگوی جامعه شناسی تاریخی ایران در مورد دوره تغییر سلطنت به کار بسته شده و شواهد فراوانی از رویدادهای این دوره در تایید این نظریه عرضه شده است.

« زندگانی سیاسی عین الدوله » موضوع رساله پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ حبیب ا. مداح است . محقق در این رساله به بررسی نقش و عملکرد سیاسی عین الدوله در طول مدت زندگانش پرداخته است . از نظر محقق عین الدوله دارای طبعی مستبد بود و در نتیجه با جنبش مشروطیت به مخالفت برخاست . در این رساله محقق بر این نظر است که عین الدوله واجد سه صفت برجسته بود که این صفتها رفتار سیاسی او را شکل می داد .

۱- ثبات عقیده عین الدوله در حکومت استبدادی و عدم اعتقاد به مشروطیت برای ایران

۲- علاقه عین الدوله به مال و مقام و تلاش در بدست آوردن آن

۳- حسن وطنخواهی و بیگانه ستیزی عین الدوله

در این رساله محقق به دلیل کناره گیری عین الدوله از سیاست در دوره تغییر سلطنت به صورتی گذرا به عملکرد و عقاید عین الدوله نسبت به تغییر سلطنت می پردازد. و تاکید محقق بر رفتارها و عملکرد سیاسی عین الدوله در دوره مظفری و محمد علی شاه و اوایل سلطنت احمد شاه می باشد که دوره انحطاط سلطنت قاجاریه را در بر می گیرد.

« نقش حزب سوسیالیست در تحولات سیاسی ایران از سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ه.ش » موضوع پایان نامه

کارشناسی ارشد تاریخ کمال الدین طباطبائی می باشد. از نظر محقق عملکرد حزب سوسیالیست در این دوره چهار ساله در دو بخش قابل بررسی است. مواضع حزب درمورد دولتهای خارجی، و مواضع حزب در قبال گروهها و احزاب داخلی. از آنجا که حزب سوسیالیست متأثر از انقلاب اکتبر روسیه بود و سران حزب از مدتها قبل با رهبران انقلابی شوروی روابط دوستانه ای داشتند و مرامنامه حزب نیز اصول سوسیالیستی را دنبال می نمود، این حزب روابط مثبتی با دولت شوروی برقرار کرد و اعضای حزب جزء مشاوران سفیر شوروی محسوب می شدند و همکاری مشترکی میان شوروی و حزب سوسیالیست در ایران برقرار شد. حزب سوسیالیست با بریتانیا و سیاستها و منافع آن در ایران مخالف بود و در طی دوره مجلس چهارم با اصلاح طلبان در مجلس رقابت می نمود و بخاطر دشمنی و کشمکش میان این دو فراکسیون قوی مجلس چهارم به

بسیاری از قوانین و اهداف خود نرسید و زمینه برای روی کار آمدن رضاخان فراهم شد حزب سوسیالیست که خود را قادر به مقابله با اصلاح طلبان نمی دید، دست همکاری به رضاخان داد و طی جنبش جمهوری خواهی یکی از متحدین اصلی رضاخان شد چرا که سوسیالیستها گمان می کردند با تغییر سلطنت به نظام مورد نظر خویش دست خواهند یافت و احتمالاً روزی یکی از آنها رییس جمهور خواهد شد، ولی پس از شکست جمهوری همکاری حزب سوسیالیست با رضاخان و حزب تجدد در مجلس پنجم ادامه یافت ، در حالیکه گروهی از سوسیالیستها بویژه تعدادی از روزنامه نگاران متمایل به سوسیالیستها از حزب سوسیالیست فاصله گرفتند و به حزب تجدد نزدیک شدند. در نتیجه تنها جناح سوسیالیست اونیفه به عنوان حزب سوسیالیست باقی ماند و نهایتاً برخی از افراد این جناح بودند که با سلطنت موروثی رضاخان مخالفت کردند. علی رغم همراهی حزب سوسیالیست با رضا خان این حزب در سال ۱۳۰۵ ه.ش منحل شد. در این رساله تنها عملکرد یک شاهزاده قاجاری در قالب حزب سوسیالیست مورد بررسی قرار گرفته است و کاملاً واضح و مبرهن است که عملکرد و رفتار شاهزاده سلیمان میرزا جدا و کاملاً متفاوت با دیگر اعضای خاندان قاجاری می باشد.

« نقش علما در سیاست ( از مشروطه تا انقراض قاجار) » موضوع رساله پایان نامه دکتری محسن بهشتی سرشت که در آن محقق به رویکرد سیاسی و اجتماعی علمای دینی در این دوره می پردازد. از نظر محقق تا قبل از انقلاب مشروطه ، علما در مبارزه با استبداد و طرد بیگانگان از کشور از باب امر به معروف و دفع استیلا و تجاوز کفار به خود تردیدی راه نمی دادند و در این میانه علمای نجف با حمایتهای مکرر خود از انقلاب مشروطه از پیروزی آن نقش بسزایی ایفا کردند. پس از پیروزی مشروطه وضع به گونه ای دیگر شد. مشاجرات لفظی، علمی و سیاسی حول مقولات و مفاهیمی همچون حدود وظایف پارلمان در مقابل قانونگذاری شارع مقدس، مفاهیم آزادی - برابری - و نقش نظارتی علما بر عملکرد دولت و مجلس ، همراه با توطئه و دسیسه های خارجی و داخلی موجبات انشقاق و اختلاف بین علما را فراهم ساخت و در پی کشمکش های محمد علی شاه و مشروطه خواهان و پیامدهای پس از آن ایران به مدت ۱۶ سال دچار فتنه و اغتشاش بود و قیامهایی علیه حضور قدرتهای خارجی و ناکارآمدی حکومت داخلی در طی جنگ اول جهانی و پس از آن شکل گرفت و در پایان با ظهور رضاخان و تغییر سلطنت محقق به بررسی و نقش و عملکرد علما در طی این دوره می پردازد.

« نقش طبقه متوسط جدید در انتقال قدرت از قاجار به پهلوی » موضوع رساله پایان نامه کارشناسی ارشد تقی حسینی می باشد که در آن محقق بر این نظر است که در پی اثر پذیری ایران از تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه جهانی، تغییراتی در جامعه ایران دوره قاجاری ایجاد شد که مهمترین بعد تغییر در این جامعه ظهور و تشکیل قشرهای اجتماعی متفاوت از دیگر اقشار جامعه سنتی است ، که در این رساله به اقشار مالک و تجاروابسته به سرمایه داری جهانی که حاصل نفوذ سرمایه داری است و طبقه متوسط جدید که حاصل تعلیم و تربیت جدید و دیگر تاسیسات تمدنی است اشاره می

شود. طبقه متوسط جدید یا به عبارتی بهتر روشنفکرانی که محصول ورود تاسیسات جدید به ایرانند و خود را در قبال جامعه و تحولات آن مسئول و متعهد احساس می کنند، در جریان انتقال قدرت از قاجاریه به پهلوی، بازمینه های فکری و سیاسی که فراهم می کنند، به نیت اینکه برناکامیها و شکستهای مشروطه طلبان در ایجاد جامعه مترقی و مدرن فایق آیند، خود را تحت رهبری مرد نیرومندی مانند رضاخان قرار می دهند، تا بدین وسیله با کنار گذاشتن موانع سیاسی و اجتماعی قدرت را از سلسله قاجاریه سلب و به پهلوی که شایسته انجام مقاصد آنهاست، محول کنند. و در انجام این مقصود همراهی طبقات جدید تاجر - مالک، تاجران وابسته به بازار سرمایه داری جهانی و ملاکان و تاجران سنتی را با خود دارند.

هر یک از موضوعات فوق از منظری ویژه به بررسی تغییر سلطنت می پردازد، ولی آنچه که در مورد تغییر سلطنت تاکنون مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته بررسی عملکرد و نقش و واکنش قاجارها در برابر تغییر سلطنت به عنوان یک کل و یا یک سلسله است، چرا که قاجارها یک طرف این واقعه بوده اند و بررسی عملکرد آنها در تغییر سلطنت و زمینه های شکل گیری این عملکرد به محققین در زمینه این واقعه مهم و تاثیر گذار در سرنوشت ایران کمک می کند، تا به تحلیل بهتر و جامعتری برسند و یکی از ابعاد مختلف سقوط سلطنت قاجاریه روشن شود.

## سوال اصلی

کدام عوامل و عناصر با فراهم سازی موجبات ضعف و انحطاط سلسله قاجاریه، مانع از واکنش قاجارها در تغییر سلطنت شد و قاجارها (ایل و خاندان) خود در انحطاط و سقوط سلطنت قاجاریه چه نقشی داشتند؟

## سوالات فرعی

- ۱- انسجام ایلی و خاندانی چه نقشی در ساختار قدرت سلسله قاجاریه داشت؟
- ۲- نقش خاندان قاجار در به انحطاط کشیدن سلسله قاجاریه چه بود؟
- ۳- قرار گرفتن ایران در برابر دنیای مدرن بر انسجام و اتحاد قاجارها چه اثری بر جای نهاد؟
- ۴- روند فروپاشی قدرت و انسجام خاندان قاجار چگونه اتفاق افتاد و چه نقشی در سقوط آرام قاجاریه ایفا کرد؟